



کمیود بنزین، با پژوهش حل نمی شود

گفتگو با دکتر مهاجرانی، رئیس پژوهشگاه صنعت نفت

پرونده این ماه، انرژی و امنیت ملی گفتگو

علیرضا زارعی

بر اساس سند چشم انداز بیست ساله نظام، تا سال ۱۴۰۴ شمسی ۵۰۱ میلیارد دلار باید در صنعت نفت سرمایه گذاری شود. چند بخشی بودن صنعت نفت در کشورمان و الزام سرمایه گذاری کلان فوق، ضرورت گسترش تحقیق و پژوهش را در این صنعت گریزناپذیر می نماید؛ زیرا کسب حداکثر ارزش افزوده حاصل از این نعمت خدادادی، تبدیل مزیت نسبی در منابع انرژی به مزیت رقابتی تنها با تدوین برنامه های صحیح تحقیق و توسعه و پژوهش در صنایع مرتبط با نفت محقق خواهد شد که در آن صورت، می توان با آسودگی خاطر از تبدیل تهدیدات ناشی از کاهش منابع اولیه انرژی در آینده به فرصتهای مغتنمی برای دستیابی به اهداف توسعه، از جمله اهداف ترسیم شده در سند چشم انداز بیست ساله سخن به میان آورد.

با مرور وضعیت سرمایه گذاری شرکت های برتر دنیا از جمله سرمایه گذاری ۱/۲ میلیارد دلاری شرکت شل برای تحقیق و پژوهش، دکتر باقر مهاجرانی، رئیس پژوهشگاه صنعت نفت ایران، ضمن اعلام اینکه از ۲۶ سال پیش و پس از اتمام دریافت دکترای شیمی از دانشگاه منچستر، وارد پژوهشگاه شده و برای تکیه بر صندلی اتاق ریاست در طبقه هشتم ساختمان زیبا و جدیدالتأسیس آن در دهکده المپیک، عناوین مختلفی را از پژوهندگی رتبه دو گرفته تا پژوهشگر رتبه یک، رئیس گروه، رئیس واحد، رئیس پژوهشکده، معاونت فناوری و امور بین الملل به دست آورده، همچنین یادآوری خاطره ای از دوران تحصیل خود و مقایسه امکانات و جایگاه پژوهش در کشورهای توسعه یافته و با وضع کنونی در صنعت نفت ایران، اینچنین مصاحبه با ماهنامه «تازه های انرژی» را آغاز می کند:

اگر از تاریخچه نیم قرنی پژوهشگاه و آخرین وضعیت آن بخواهیم مطلع شویم، بدون شک با توجه به سابقه طولانی و مسئولیت شما در مقام رئیس پژوهشگاه، حرفهای بسیاری باید داشته باشیم. لطفاً علاوه بر موارد فوق، در مورد آخرین وضعیت منابع انسانی پژوهشگاه نیز توضیحاتی ارائه نمایید.

پژوهشگاه صنعت نفت در ابتدا با نام «اداره توسعه و تحقیقات شرکت ملی نفت ایران» در سال ۱۳۳۸ تأسیس شد که هدف آن، تحقیق و پژوهش در زمینه کاربرد مواد نفتی بود. پس از پیروزی انقلاب، نام این سازمان به مرکز پژوهش و خدمات علمی تغییر یافت و در سال ۱۳۶۸ با جلب موافقت شورای گسترش وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نام «پژوهشگاه صنعت نفت» را در سرر خود دید. در حال حاضر این پژوهشگاه دارای ۶ پژوهشکده، ۶ مرکز تحقیقات تخصصی

به همراه بخشهای دیگری چون مرکز مطالعات و پژوهشهای اکتشاف و تولید، مرکز ایده پردازان جوان، شورای علمی و شورای پژوهشی و سه معاونت است. متأسفانه در گذشته به دلیل وجود دیوار بلند بی اعتمادی میان مؤسسات و پژوهشکده ها و وجود تمایل مسئولان برای نزدیکی به مراکز قدرت، امکان دسترسی افرادی که در چند زمینه تخصص داشتند به تجهیزات و امکانات سایر پژوهشکده ها وجود نداشت و در بهترین حالت، این دسترسی به سختی انجام می گرفت. بر همین اساس اختیارات معاونت پژوهشی که در گذشته متمرکز بود و بر همه امور پژوهشی احاطه داشت، به سه زیرمجموعه پژوهش در امور اکتشاف و تولید، توسعه تکنولوژی و انرژی و محیط زیست با هدف استفاده بهینه از منابع انسانی، تجهیزات و افزایش بودجه تقویض شد.

مدیریت، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی چند مرکز تحقیقاتی دیگر از جمله مرکز تحقیقات نانو نیز به دلیل ویژگیهای تخصصی و استراتژیک، به‌طور مستقیم زیر نظر رئیس پژوهشگاه انجام می‌گیرد.

در حال حاضر منابع انسانی ثابت پژوهشگاه ۷۴۰ نفر است به اضافه ۱۶۰ نفر که ارتباطان با آنان به صورت قرارداد کار معین در قالب پروژه‌های مشخص است. همچنین با ۳۰۰ نفر از نیروهای پژوهشگر نیز در قالب قرارداد پیمانکاری همکاری داریم که در مجموع می‌توان گفت نیروی انسانی پژوهشگاه شامل ۱۲۰۰ نفر است که ۳۰۰ یک مجموعه نفری هم به‌صورت پیمانکاری، خدمات و پشتیبانی از فعالیتهای پژوهشگاه را برعهده دارند.

بودجه مالی پروژه‌های تحقیقاتی پژوهشگاه از کدام منابع تأمین می‌شود؟

بودجه کلی پژوهشگاه از قراردادهای پژوهشی و خدماتی که به صنعت نفت و مراکز دیگر ارائه می‌دهیم، برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی مرتبط و محصولات ویژه‌ای که می‌فروشیم تأمین می‌شود. این در حالی است که وزارت نفت، فقط دستمزد ۷۴۰ کارمند ثابت ما را تأمین می‌کند و هزینه نیروهای دیگر از منابع داخلی و توسط پژوهشگاه تأمین می‌شود. در حال حاضر ۲۲۰ پروژه در حوزه‌های اکتشاف و تولید، توسعه تکنولوژی، انرژی و محیط زیست به‌طور عملیاتی آغاز شده و مراحل پایانی خود را می‌گذرانند.

با ثبت قریب به ۸۰ پتنت بین‌المللی در اداره ثبت اختراعات آمریکا و اتحادیه اروپا و ۹۰

در دست اقدام داریم. تا به حال وضعیت ایده‌آلی نداشته‌ایم و قطعاً بهتر از این هم می‌توانستیم عمل کنیم، اما به‌ر حال با توجه به بضاعت و توانمندیهایمان در این نقطه ایستاده‌ایم و با توجه به اقدامات انجام گرفته، امیدوارم با تلاش مضاعف و حمایت مسئولان، هر چه زودتر به جایگاه واقعی خود دست یابیم.

با توجه به تشکیل و فعالیت واحد تحقیق و توسعه هر ۴ شرکت اصلی وزارت نفت، آیا تداخلی در انجام وظایف پژوهشی میان آنها و پژوهشگاه پیش نمی‌آید؟ اصلاً آنها در انتخاب و واگذاری پروژه‌ها با شما مشورتی دارند؟

متأسفانه در چند سال اخیر برای تصمیم‌گیری در زیرمجموعه‌های وزارت نفت، شاهد به‌کارگیری سلاقی مختلفی بوده‌ایم. از جمله اینکه برخلاف شرکت ملی پتروشیمی که تمایل زیادی به انجام دادن فعالیتهای تحقیقاتی دارد، شرکت ملی گاز بدون داشتن پژوهشگاه و پژوهشکده و با تکیه بر تجارب ارزنده دکتر پاک‌سرشت در مرکز تحقیق و توسعه خود مشغول شناسایی و ارزیابی مشکلات و تقسیم بودجه خود میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است.

شرکت ملی نفت هم پژوهشکده از یاد برداشت را با کمک دکتر عمادی راه‌اندازی کرده و نیازهای دیگر تحقیقاتی خود را به بیرون از شرکت سفارش می‌دهند.

در شرکت پالایش و پخش هم آقای نعمت‌زاده و امیرخواه نیز مصمم به تأسیس دفتر و در نهایت پژوهشکده مستقلی هستند. در جلسات متعددی که در شورای عالی پژوهش



بزرگوار می‌شود، بر این موضوع که «ما هم هستیم، آنها هم هستند، حالا چه باید بکنیم؟» بسیار پافشاری می‌کنم و امیدوارم به نتایج مطلوبی نیز برسیم.

در کنار کوتاهی و سهیل‌انگاری متولیان پژوهش و تحقیق در شناخت اولویتهای و فقدان منابع انسانی مجرب، نگرش بدبینانه مدیران ارشد به اثربخشی پژوهش و نداشتن اعتقاد عملی به آن را چگونه می‌توان اصلاح کرد و آنان را به این باور رساند که «امروزه در جوامع توسعه یافته، بدون پژوهش هرگز کاری را شروع نمی‌کنند»؟

علاوه بر اینکه باید قبول کرد در گذشته، مدیران ارشد بیشتر به دانشگاه‌ها توجه داشتند تا مراکز پژوهشی، اینطور هم می‌شود استدلال کرد که فرآیند ایده تا بازار در بحث پژوهش، فرآیندی است طولانی؛ یعنی شما در مقام پژوهشگر باید زودتر از صنعت به فکر تولید ایده باشید تا زمانی که صنعت نیازمندی خود را اعلام کرد، ایده شما قابلیت عملیاتی شدن پیدا کند. بر همین اساس، وقتی پژوهش با تأخیری به بلندای نیم قرن یا به عرصه صنعت نفت می‌گذارد، نباید انتظار زیادی داشته باشیم. من از شما مطلبی را می‌پرسم؛ در راه‌اندازی و تأسیس واحدهای صنعتی کشور، چند مورد می‌توانید مثال بزنید که تفکری مدون و مبتنی بر پژوهش و تحقیق، در انتخاب و راه‌اندازی آن تأثیرگذار بوده است؟ اینکه در انتخاب اولیه و راه‌اندازی یک واحد خودروسازی یا پتروشیمی یا

ماکارونی‌سازی چقدر از تفکر دانایی‌محور و مبتنی بر پژوهش بهره برده‌ایم؟

جدای از این ضعف، بحث جدی‌تری هم وجود دارد و آن اینکه در بیشتر مواقع، تا تفکر آتمان را راجع به یک محصول جدید متمرکز کرده و بعد از مشکلات فراوان، توانمندی تولید و عرضه آن را به دست آورده‌ایم، رقبای توانمندان با پیشدستی و اتکا به تجهیزات پیشرفته و مناسب‌تر، محصول ما را از بازار خارج کرده است. بدون تعارف باید عرض کنم، متأسفانه در بخش تجهیزات در کشور خیلی ضعیف هستیم؛ در بخش تجهیزات علمی ضعیفتر. واکنشهای غیرمعمول دیگران هم به از بین بردن این ضعفها نه تنها کمکی نخواهد کرد، بلکه به عقب ماندگی ما منجر خواهد شد. موردی را فرض کنید که ما برای اجرای پروژه‌های خاص، چند دستگاه کم داریم که پس از اما

و اگرهای فراوان و جلب موافقت برای خرید مثلا ۴ دستگاه، بلافاصله می‌آیند می‌گویند «چه خبر

مورد در اداره ثبت اختراعات داخلی، در این زمینه پیشرو بوده، رکورددار محسوب می‌شویم. در سال ۸۵ در بین پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی واحدهای اجرایی رتبه اول را کسب کردیم. ثبت ۴ پتنت نانو تکنولوژی در اتحادیه اروپا باعث قرار گرفتن ایران در رتبه ۲۲ و در کنار کشورهای نپلیر فنلاند، نروژ و برزیل شده که ۳ مورد حاصل کار پژوهشگران ما و یک مورد دیگر نیز حاصل محققان دانشگاه تهران بود. در زمینه عرضه ایده به بازار و تجاری‌سازی، باز هم رتبه اول را در کشور کسب کرده‌ایم.

همزمان با این روند، آیا پژوهشگاه از لحاظ توسعه تکنولوژی هم توانسته پیشرفت داشته باشد و پیشرو باشد؟

پس از ۴۹ سال فعالیت پژوهشگاه، همزمان با اینکه در بسیاری از موارد عملکرد قابل قبولی داشته‌ایم، کاستیهای بسیاری نیز در عملکردمان وجود داشته که خود، تابع شرایط گوناگونی است که به آن اشاره خواهیم کرد.

در توسعه تکنولوژی به دلیل فقدان نیروی انسانی کافی برای جذب، عملکرد ضعیفی داشته ایم و برای پوشش آن، کنسرسیومی میان پژوهشگاه، دانشگاه نفت و دانشگاه صنعتی شریف بر این اساس برقرار کردیم. دانشجویان منتخب و ممتاز، پس از اتمام دوره تحصیلی در دانشگاه نفت و دانشگاه صنعتی شریف، تز خود را در پژوهشگاه و براساس اولویتهای ما می‌گذرانند که در نهایت، مدرک مشترک این کنسرسیوم به آنها اعطا و در پژوهشگاه مشغول به کار بشوند که انتظار طولانی ما برای جذب متخصصان کارآمد در صنایع بالادستی نفت از جمله اکتشاف و حفاری پایان یابد.

در ۸ ماه گذشته حدود ۵۰ نفر از فارغ‌التحصیلان ممتاز را با مدرک Ph.D و کارشناسی ارشد جذب کرده‌ایم که در تاریخ پژوهشگاه، بی‌سابقه است و بر همین اساس، سیاستها و مشوقهای متنوعی برای ماندگاری این عزیزان در پژوهشگاه از جمله مکانیزمهایی برای افزایش حقوق و مزایا، فراهم کردن تسهیلات رفاهی و فعالیتهای علمی اتخاذ کرده‌ایم. اما به هر حال، پروژه‌های مشترکی را در اتریش، مالزی، مسکو، سن پترزبورگ، نروژ و کانادا

است؟ مگر چقدر استفاده دارید؟» این درحالی است که متأسفانه در جاهای دیگر، به وفور شاهد سرمایه‌گذارهای هنگفتی هستیم که پشتوانه علمی و منطقی ندارد، اما زمانی که بحث سرمایه گذاری در بخش پژوهش می‌شود، دست‌اندرها و اما و اگرها بیشتر خود را نمایان می‌سازد.

حتی در این بخش که پژوهشگاه، خود بخشی از صنعت است؟

اجازه بدهید یک مثال بزنم؛ فرض کنید من یک تن کاتالیست ساختم. اگر به پتروشیمی اصفهان بگویم لطفا در واحد آروماتیک از کاتالیست تولیدی پژوهشگاه استفاده کنید، درجا می‌گویند قبول، اما به شرطی که تضمین بدهید در صورت استفاده، نه پروسه تولید متوقف شود و نه کیفیت محصول تغییر کند و از این جور پیش‌شرطها. من پژوهشگر هم بار اول است که چنین کاری می‌کنم. چه باید بگویم؟ مطمئناً نمی‌توانم تضمین کنم. همه چیز را کنترل کرده‌ام؛ می‌دانم درست است و خطایی در کار نیست، فقط نمی‌توانم تضمین بدهم. طرف پیشنهاد هم می‌گوید اگر نمی‌توانی، فلان شرکت آلمانی حاضر است تمام این موارد را تضمین دهد. تنها راه ممکن، گرفتن دستور وزیر است برای حل مشکل که باز هم در این مرحله، اصلی‌ترین دغدغه وزیر، تضمین است و تضمین، اصلاً کار تحقیقی یعنی همین. من اگر یک درصد هم احتمال خطا بدهم با عقب‌نشینی طرف معامله مواجه خواهم شد، پس اساساً فرقی نمی‌کند که در صنعت باشم یا در بیرون آن.

اخیراً گویا داستان عوض شده و نشانه‌های مثبتی دریافت کرده‌ایم. دوستان ما با استفاده از تکنولوژی نانو، دوغاب سیمان فوق سبکی را طراحی و آن را به مسئولان مناطق نفت‌خیز ارائه کردند. اگر من هم جای آن مسئول بودم، شاید اصلاً نمی‌پذیرفتم، اما مدیر مربوطه دستور داد ۲ حلقه چاه برای آزمایش سیمان و نانوذرات در اختیار پژوهشگران ما قرار دادند که امتیاز بسیار مهمی برای ما بود که خوشبختانه جواب مثبت گرفتیم و هر دو طرف نفسی به راحتی کشیدیم و ۱۰ چاه دیگر را نیز در اختیار ما گذاشتند. اگر اتفاقی از این دست بیفتد، یقین بدانید که می‌توانیم به بازارهای امارات، کویت و قطر هم برای عملیات مشابه دست پیدا کنیم. همین اتفاق در بحث سولفورزدايي هم افتاد؛ شجاعت بالای مدیر و خطری پذیری او، به همراه نهایت تلاش ما، موفقیت‌های بسیاری را نصیب کشورمان کرده است، اما به هیچ وجه نمی‌توان تضمین کرد که همیشه جواب مثبت بگیریم و اشتباهی رخ ندهد. خوشبختانه اخیراً موفق به تولید نانوکربن شده‌ایم که محصولات ما مورد استقبال دانشگاه‌ها و دیگر مراکز شده و با درخواست مالزی برای راه‌اندازی یک واحد با ظرفیت ۸ کیلوگرم در روز شده‌ایم و اخیراً هم پیشنهاد همکاری دیگری هم از کیش به ما شده است.

اعتقاد راسخ دارم دانشمندان حوزه نفت و گاز، با توسعه تکنولوژی و نیازهای زمان، تا آخرین قطره نفت چاه‌های نفتی را استخراج خواهند کرد، چون در آینده و با کاهش ذخایر نفتی، ارزش و بهای آن بسیار بیشتر از بهای فعلی آن خواهد شد.

با توجه به بروز نشانه‌های مثبت اینچنینی، چه شاخص‌هایی ممکن است باعث گسترش این نگاه مثبت شود و استراتژی پژوهشگاه در این زمینه چیست؟

با تلاش کلیه همکاران و حمایت مسئولان، امروزه محصول گرایی را محور کار خود قرار داده‌ایم و از همان ابتدا به دنبال محصول هستیم. بر همین اساس، در کنار معاونت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی استراتژیک نیروی انسانی را تدارک دیده‌ایم، زیرا رویکردها را بیشتر متوجه بحث مدیریت دانش و نیروی انسانی کرده‌ایم و بررسی‌های اقتصادی و فنی، از الزامات پروژه‌ها محسوب می‌شود. توجه کامل به جزئیات طرح، بررسی مسائل زیست‌محیطی، مستندسازی و تحلیل بازار و شناخت رقبای داخلی و خارجی جایگاه مناسبی در پروژه‌های ما پیدا کرده‌اند و با توجه به تمرکز فعالیت‌هایمان بر پایه پالوت‌های چندمنظوره، فرآیند تبدیل ایده تا محصول ۳ تا ۴ سال کوتاهتر شده که توان ما را برای رقابت محصولات مشابه داخلی و حتی بین‌المللی بسیار افزایش داده که موفقیت‌های اخیر ما در مقوله نانو تکنولوژی، بر پایه همین اقدامات صورت گرفته است.

همچنین، مطابق با روند حرکت دنیا برای ایجاد ارزش افزوده بر گاز خام (GTL)، جامدسازی و انتقال آن به صورت قالب‌های هیدرات یا سوزاندن و تبدیل آن به نانوذرات کربنی مثل نانوکربن تیوب، تبدیل گاز به مایع بر اثر تبدیل آن به برش‌های سبک از جمله گازوئیل یا گریس و پارافین. این تلاش‌ها در دنیا در حال انجام است، ولی تا زمانی که قیمت گاز در این حد باشد، مقرون به صرفه نیست، ولی اگر به دانش فنی و امکان صنعتی شدن آن دست پیدا کنیم، به محض افزایش غیرمعمول نفت و کاهش قیمت گاز یا شرایط پیش‌بینی نشده با در اختیار داشتن این دانش، برگ برنده‌ای در اختیار خواهید داشت برای مقابله با تهدیدات. ضمن اینکه فرآیندها همیشه قابل بهینه‌سازی اند که تأثیر عمده‌ای در قیمت تمام‌شده دارند و در اینجا نقش کاتالیستها تعیین کننده است.

با توجه به گستردگی بسیار صنایع گاز، مطمئن هستم که با در اختیار داشتن دانش‌های فنی مرتبط، موفق به انجام دادن کارهای بسیار بزرگی خواهیم بود. اعتقاد راسخ دارم دانشمندان حوزه نفت و گاز، با توسعه تکنولوژی و نیازهای زمان، تا آخرین قطره نفت چاه‌های نفتی را استخراج خواهند کرد، چون در آینده و با کاهش ذخایر نفتی، ارزش و بهای آن بسیار بیشتر از بهای فعلی آن خواهد شد. اصلی‌ترین وظیفه ما، برطرف ساختن نگرانی‌های کلان وزارتخانه از جمله کمبود بنزین، تولید روزانه بیشتر نفت، حل مشکلات زیست‌محیطی، خوردگی لوله‌های انتقال، برداشت بیشتر گاز از حوزه مشترک با قطر و... است که این موارد در شورای عالی پژوهش متشکل از رئیس پژوهشگاه،

مدیرکل پژوهش وزارتخانه، رئیس دانشگاه نفت، رئیس مؤسسه مطالعات انرژی و رؤسای واحدهای تحقیق و توسعه ۴ شرکت تابعه وزارتخانه با مسئولیت دکتر کردان مطرح می‌شود. در گذشته، همکاران ما همزمان با اجرای پروژه‌های مختلف از جمله سولفورزدايي با مشکلات دیگری از جمله خوردگی و موارد دیگر هم مواجه می‌شدند که برای آنها هم اقدام به تعریف پروژه‌های پیش‌بینی نشده می‌کردیم. بر همین اساس و با توجه به اینکه تا سال گذشته برنامه کلانی برای طرح‌هایمان نداشتیم، با کمک همکارانم در پژوهشکده‌های مختلف، توانمندسازی‌مان را در یک دوره ۱۲ ماهه تدوین و برپایه آن، برنامه جامع امسال تدوین شد که با استقبال بسیار مناسب اعضای شورای عالی پژوهش مواجه شد و قول حمایت همه‌جانبه از جمله تأمین اعتباراتش را گرفتیم. در مجموع، ۸۰ عنوان اولویت را مطرح کردیم که با تأکید رئیس شورای عالی پژوهش، ۷ مورد از جمله دانش دوغاب سیمان فوق سبک برای استفاده در کلیه چاه‌های کشور، طراحی واحدهای سولفورزدايي، راه‌اندازی واحد پالوت چندمنظوره، نرم‌افزار مخازن هیدروکربنی، به عنوان اصلی‌ترین دغدغه‌های وزارت نفت در اولویت دستور کار امسال قرار گرفته است.

همچنین در مباحث بایوتکنولوژی و نانوتکنولوژی، اولویت‌بندی طولانی مدت‌تری نیز صورت گرفته که با هماهنگی مرکز تحقیقات نانو، دستیابی به دانش‌های فنی متعددی را مدنظر داریم که متعاقباً، برنامه پنج‌ساله پژوهشگاه بر همین اساس تدوین خواهد شد.

با توجه به اعلام شما مبنی بر تدوین طرح‌های پژوهشی پژوهشگاه بر اساس واقعیات جامعه و اولویت بندی پژوهشگاه در ۳ سال اخیر و نهایتاً، تدوین طرح جامع در سال جاری، این سوال مطرح می‌شود که چرا ما قادر به تأمین بنزین مورد نیاز داخل با برداشت گاز از حوزه مشترک با قطر نیستیم؟ آیا موضوعاتی به این مهمی که گریزناکیگر کشور است و اتفاقاً، کلیه مسئولان کشور بر روی آن اجماع دارند، در اولویت‌های پژوهشگاه قرار نگرفته یا مسئولان اجرایی بنا بر ملاحظات خاص، با چنین اقداماتی موافق نیستند؟

برای حل مشکل بنزین، با استفاده از تکنولوژی نانو، اخیراً فعالیت‌های بسیار مناسبی انجام داده‌ایم که با آزمایش آن بر روی پژو جی.ال.ایکس، موفق شدیم مصرف بنزین را به اندازه ۳ درصد کاهش دهیم. در حالی که با توجه به مصرف روزانه بیش از ۷۰ میلیون لیتر بنزین و تعداد خودروهای موجود، این موفقیت قابل توجه است، اما هزینه استفاده از این تکنولوژی بالاست و ما قادر به حل مشکل امروز بنزین نیستیم. اساساً

بحران بنزین و مسائل پیرامون آن، خارج از حوزه پژوهش است، زیرا با اتخاذ تصمیم‌هایی از جمله آزادسازی قیمت بنزین، سهمیه‌بندی، واردات و... صورت مسئله کاملاً تغییر پیدا می‌کند و به طور کلی، فرآیند تولید بنزین از اختیار محقق خارج است. اما همان طور که وزیر نفت نیز بارها اعلام کرده است، در شرایط خاص می‌توان طی مدت زمان ۳ تا ۴ روزه و با تغییر فرآیندها و تولید محصولات اصلی، در چند پالایشگاه، بنزین تولید کنیم. هم‌زمان با اینکه اعلام

می‌کنم مشغول پژوهش روی کیفیت بنزین و کاهش مصرف آن هستیم، صادقانه باید بگویم که نمی‌توانیم با پژوهش مشکل ۳۰ تا ۴۰ میلیون لیتری بنزین را حل کنیم. اگر هم بخواهیم برای آن سرمایه‌گذاری بکنیم، هیچ توجیهی ندارد و ترجیح می‌دهیم روی تبدیل نفت سنگین به سبک یا GTL کار کنیم که توجیه بیشتری دارد.

صنعت نفت در کشور ما سابقه ۱۰۰ ساله دارد، اما در کشورهایی مثل نروژ با سابقه بسیار کمتر، شاهد پیشرفت‌های چشمگیری هستیم. دلیل این تفاوت را در چه می‌دانید؟

با توجه به افزایش فشارهای بین‌المللی و سیاسی، تحریم‌ها و مسائلی از این قبیل، بسیاری از ملاحظات اقتصادی و سلیقه‌ای مدیران کم‌رنگ‌تر شده و مدیران ارشد داخلی بیشتر به پژوهش و پژوهشگاه توجه می‌کنند. در بسیاری از مسائل از جمله پتروشیمی و بایو و صنایع بالادستی، متأسفانه نتوانسته‌ایم مشکلات را حل کنیم، اما مشکلات کشور را به طور واقعی‌تری لمس و آمادگی‌های بیشتری را کسب کرده‌ایم، به طوری که در بخش پژوهش شناخت بیشتری نسبت به گلوگاه‌ها از جمله قطعی گاز در زمستان یا مشکل بنزین پیدا کرده‌ایم. از سوی دیگر، خوشبختانه نگاه مدیران ارشد به بخش پژوهش مهربان‌تر شده و با توجه به شرایط موجود، خطاها و کمبودها را بیشتر پذیرا هستند.

اما به هر حال، زبینه کشور ما و صنعت نفت ما با سابقه ۱۰۰ ساله و جمعیتی بیش از ۷۰ میلیون نفر نیست که تنها ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پژوهشگر داشته باشد، بلکه نیازمند طرح جامع پژوهشی در کل صنعت نفت با جامعه‌ای در حدود ۷۰۰۰ پژوهشگر هستیم. چرا نباید مشکل بنزین، مشکل روغن‌ها، طراحی خودرو، محیط زیست و بسیاری از مشکلات دیگر تاکنون حل شده باشند، چون همواره به حداقلها اکتفا کرده‌ایم.

با ۴۵ تا ۵۰ نفر که نمی‌توانیم علاوه بر حل مشکل بنزین، ازدیاد برداشت از مخازن، دستیابی به دانش فنی GTL، تولید سوخت از زباله‌ها و غلات و... هر کدام منابع انسانی و تجهیزاتی متناسب با ابعاد خود را طلب می‌کند که متأسفانه کشور ما فاقد چنین ظرفیتی است. به هر حال تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا بیش از پیش، در خدمت صنعت نفت و

زبینه کشور ما و صنعت نفت ما با سابقه ۱۰۰ ساله و جمعیتی بیش از ۷۰ میلیون نفر نیست که تنها ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پژوهشگر داشته باشد، بلکه نیازمند طرح جامع پژوهشی در کل صنعت نفت با جامعه‌ای در حدود ۷۰۰۰ پژوهشگر هستیم.